

■ آن روزها به روایت اسنادی تازه

دکتر علی مدرسی

عالی‌ترین خصوصیات دینی و اخلاق مذهبی را از آنان گرفت و حافظ میراث آسمانی مسلمانان گشت، به گونه‌ای که حتی مردم سرزمین وحی قادر به درک صحیح آن نشده بودند. شکی نیست که ایرانیان با اظهار ارادت به فرزندان رسول خدا (ص) و توجه به تقدس و عصمت و طهارت آنان، جواهر وحی را دریافتند و پیروان راستین خاندان نبوت شدند.

در میان اصحاب پیامبر اکرم (ص) یک ایرانی وجود داشت که درک و فهم او از وحی و الهام، برتر می‌نمود، به طوری که او شیفته پیامبر شد و نیز دل و جان به جانشین

پیش نوشتار
در طول زمان، قدرت‌هایی بزرگ رو به زوال و نابودی نهادند، تا آنجا که از آنان جز نامی در تاریخ باقی نمانده است. کلده کجاست؟ آشور و بسابل و فنیقیه کسدام یک از سرزمین‌های فعلی جهانند؟ روم و یونان، اکنون چه موقعیت و قدرتی در جهان دارند؟ مصر با فرهنگ و نژاد و قدرت ابوالهولی و اهرامی خود اکنون کشوری عربی است که از قوم تاریخی خویش دور افتاده است. اما ایران نهاجم اسکندر و تسلط سلوکیان را با صبر و حوصله‌ای در خور تحسین از سر گذراند. فتح الفتح اعراب را تحمل کرد اما

او نیز سپرد و اخلاص خود را در تاریخ جهان ثبت کرد و این متفکران مسلمان ایرانی بودند که با حربۀ قلم، تفکر، کیاست، سیاست و گاه شمشیر، با سلطۀ خلفای ناحق بنی امیه و بنی عباس به پیکار برخاستند و هر دو سلسه را منقرض کرده و مهر باطل بر پیشانیشان کوبیدند.

ایرانیان با در دست داشتن چراغ فروزان تشیع در مسیر تاریخ به حرکت درآمدند؛ حمله خونین مغول، یورش بی‌امان تیمور و تهاجم افغان - که هر کدام می‌توانست سرزمین ملتی را از جغرافیای زمان حذف کند - آنها را از پای در نیاورد، بلکه به شکست این غول‌های خونخوار و مهاجم انجامید و آنان را در دریای زلال فرهنگ و تمدن خود حل کرد. نوادۀ همان خونخوار مغول، ایرانی و مسلمان شد به طوری که باشکوه‌ترین عبادتگاه (گسوه‌رشاد) را ساخت. ملت ایران در این پیکار خونین، قرن‌ها پای فشرد و نه با شمشیر که با حربۀ فرهنگ بر آنان غالب شد. در این جنگ‌های خونین، جز شمشیر نادر و یارانش که بر سر افغان‌ها فرود آمد، مابقی تهاجم‌ها را با کیاست و شجاعت فرهنگی و فکری از سرگذراند و افتخار آفرینان استقلال‌پرداز و تاریخ‌ساز، کسانی جز فرزندان قلم و شمشیر به دست این سرزمین نبودند. بزرگ مردان ملتی که از جهان دل‌کنند و راز بقای ایران و ملت ایران را بر صحیفۀ جهان جاودانه نگاشتند.

تاریخ ما تاریخ جاودانگی‌هاست، میراث عظیم قلم و فکر فرزندان این ملت است که جوانانش در پیکار با دشمنان با خون وضو ساخت و بر خاک اخلاص نماز برد و پدران آنان با گلگون مرکب ایمان و شهادت، شرح این از جان گذشتگی‌ها را بر پیشانی تاریخ نوشتند. شهیدان و نویسندگان و مورخان ما در چنین کارزاری، فهرمانانه به قلب دشمنان فرهنگ و مذهب این سرزمین زدند و همه در جاودانگی این حماسه بزرگ کوشیدند.

۱- مدرس؛ محور وحدت و یکپارچگی منشور حکومت و قانون اساسی در نزد هر ملتی مقدس و محترم است؛ حفاظت و اعتقاد به آن ضامن بقای حکومت و در نتیجه امنیت و آسایش همان مردمی است که حافظان قوانین خود را برگزیده‌اند. متفکران و قلم به‌دستان هر قومی، چشم‌های بیدار و هشیاری هستند که پاسبان خزاین فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سرزمین خویشند. در میان این زندگان همیشه بیدار، گهگاه قلم به مزدانی نیز پیدا می‌شوند که از حقیقت روی می‌گردانند و با کج‌اندیشی راهی دیگر بر می‌گزینند؛ اینان که با شمشیر و سلاح آتشین به میدان نیامده‌اند باید با همان حربۀ ای که در دست دارند به پیکارشان رقت. در این مقوله آیت‌الله

«مدرس» سخن با ارزشی گفته است:

خاصیت شرقی بودن این است که مودی نیست و ایرانی هیچ‌گاه خائن و



وطن فروش نمی شود، اگر اختلافی هست از اختلاف سلیقه است؛ ممکن است در عرض تباین داشته باشیم ولی در جوهر و ماهیت همه هم عقیده و به عوامل و ارکان بقای ملیت و قومیت خود ایمان و اعتقاد دارند.

در مجلس دوم هم که اختلاف بین نمایندگان بالا می‌گیرد و بنیان وحدت و یکپارچگی را در مقابل بدعت‌های مخرب متزلزل می‌کند، «مدرس» محور آهنین اراده و ایجاد هماهنگی و وحدت است، او به اختلاف سلیقه نمایندگان کاری ندارد.

در نطق تاریخی خود در جلسه ۲۱۸ مورخ سلیخ صفر ۱۳۲۹ (دوره دوم) به دو مطلب بسیار مهم اشاره کرده که در واقع، اصول اساسی استقلال و آزادی ملت‌ها را تبیین و ارائه می‌نماید. متأسفانه تاکنون نطق‌های مدرس در مجلس، مورد تفسیر و تحلیل قرار نگرفته است، وگرنه مشخص می‌شد که نظریات و فلسفه سیاسی او می‌تواند یک سر و گردن بالاتر از اندیشه و آرای سیاسی متفکران بزرگ جهان باشد. توجه کنید که او وحدت و یگانگی را برای پیشرفت و ترقی و تعالی ملت چگونه و از چه راهی جستجو می‌کند، آنجا که می‌گوید:

ما از آن راهی که اموراتمان فاسد شد از همان راه باید اموراتمان را اصلاح بکنیم. در مملکت ایران چهار برادر بودند که اینها با هم مباحث داشتند ایرانیان قدیم، نصارا، زرتشتیان و مسلمانها. به واسطه اینکه اینها با هم مباحث داشتند، مملکت از دست رفت. به جهت [حفظ] این اساس مقدس،

این مباحث به کلی باید رفع بشود تا این خرابی‌ها را که می‌دانید برگردان [و] آباد شود، تا این [وحدت] هم ایجاد نشود ممکن نیست، به جهت این‌که فساد کارها مباحث اهل مملکت بود از یکدیگر، قوه هم که تجزیه شد البته خرابی وارد خواهد شد.

«مدرس» برای آبادانی و ترقی مملکت و بسط ملت‌ها نمی‌گوید که تا نصارا و زرتشتیان و ... مسلمان نشوند و با ما هم عقیده و هم دین نگردند این مملکت آباد نمی‌شود، او می‌گوید این چهار برادر باید اختلاف را کنار بگذارند و مباحث را رها کنند. در حفظ این اساس مقدس که به نظر او استقلال و آزادی است، یک دل بکوشند و برای آبادانی این سرزمین هم‌آهنگ عمل کنند تا کشور آباد شود. در همین نطق اضافه می‌کند:

اگر من عمامه سرم هست و دیگری کلاه، با هم دو تا نیستیم. من یک صنعتی دارم که اقتضای صنعت من این است که عمامه سرم باشد. آن یکی دیگر، یک صنعتی دارد که اقتضایش کلاه است. پس اینها از اختلاف صنعت ما است....

«مدرس» برای پیشرفت و آبادانی کشور که طبعاً نتیجه نهایی آن تعالی و بی‌نیازی ملت است و آگاهی بر این که جز با بی‌نیازی و تعالی بودن مردم یک سرزمین، استقلال و آزادی آنان محفوظ نمی‌ماند، عمامه به سر و کلاه به سر را دارای وظیفه و تعهدی واحد می‌داند و آن، کوشش برای رسیدن به اهداف تعالی انسانی است.

نباید با تسلط و سلطه اشتباه گرفت. اصولاً زمانی در میان ملل حسن تفاهم و روابط حسنه برقرار می‌شود که روابط دوستانه علمی و فرهنگی میان آنها وجود داشته و این روابط طبق قوانین و بر اساس مودت و دوستی، خارج از هرگونه تصور سلطه و سوء استفاده برقرار باشد. این همان نظریه سیاسی است که «مدرس» به سلطان محمد خامس، امپراتور عثمانی، در زمان مهاجرت گفت:

باید نیروهای اسلام چه ترک و چه
هوب و چه فارسی یک دل باشند، لباس
یک‌رنگ به تنهایی وحدت ایجاد
نمی‌کند.

۲- تلگراف آیات عظام نجف اشرف

در دوره دوم مجلس شورای ملی، آن همدلی و هماهنگی از بدو امر با آهنگ ساز «ناصرالملک» از میان برخاست، احزاب اعتدالی، دمکرات و اتحاد و ترقی که از اوایل این دوره زمزمه آغاز کرده بودند، برای صف‌آرایی در مقابل یکدیگر رسمیت یافتند. آنها دشمن یکدیگر نبودند، ولی اختلاف عقیده سیاسی داشتند و این تسابین نظر را در همه امور دخالت می‌دادند. برخورد صادقانه «مدرس» با اعضای این احزاب به منظور حفظ استقلال و مبانی مشروطیت، باید در تاریخ ما بررسی و مطالعه شود.

تلاش او برای حفظ اصول و ارزش‌های به‌دست آمده در راه تحقق آرمان‌های

وقتی می‌گوید: «تمام مللی که در ایران هست، همه باید با هم مشغول خدمت به مملکت خودشان بشوند تا این که مفاسدی که در این مملکت هست رفع شود»، منظور او از ملل، پیروان مذاهب مختلفند که در ایران زندگی می‌کنند. او استقلال و آزادی و بقای ایران را جز در پناه یکی شدن همه ایرانیان از هرکیش و مذهب میسر نمی‌داند. او به خوبی واقف است که در طول تاریخ به علت اختلاف مذاهب، چه خون‌ها ریخته شده و دشمنان این ملت از دامن زدن به این اختلافات چه سودها برده‌اند. «مدرس»، استقلال و آزادی را عاملی مؤثر در ایجاد وحدت ملت‌ها می‌داند و مخصوصاً برای ایرانیان این جاذبه و طیف را چنان وسیع می‌کند که می‌گوید:

من نمی‌دانم ماها که مقلدیم در کارهای
خودمان، چرا در سایر کارهای خوبی
که سایر دول می‌کنند تقلید نمی‌کنیم.

منظور او این است که چرا علم و صنعت و تکنولوژی کشورهای پیشرفته را به صورت بنیادی و اصیل به میان ملت خود نمی‌کشانیم و چرا در فکر ساختن هواپیما و دیگر صنایع به صورت علمی و عمیق نیستیم؟ او هرگز نمی‌گوید اگر علم غرب را بیاموزیم و در کشور خود پیاده کنیم غرب زده می‌شویم، اگر چنین بود مثل غرب که صدها سال پیش تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایران و اسلام قرار گرفته بودند پیش از این که ما غرب زده شویم، شرق زده می‌شدند. تبادل اندیشه علمی و فرهنگی را



داعیان را هم در جمع کلمه ملیه چنین
هیا و هدر داد.

و بالاخره این بزرگ مردان به
«ناصرالملک» و مجلسیان هشدار می‌دهند
که سعادت و شخصیت ملت و مملکت
تماماً به حفظ استقلال کشور بستگی دارد و
جز در سایه نعمت اتحاد و جامعیت ملت و
تلاش رجال با شرف در حفظ دیانت و
ملیت میر نیست. اینان اظهار امیدواری
می‌کنند که عموم علما و امرا و اعیان مملکت
در رفع کلیه اختلافات و فراهم کردن اسباب
جلب قلوب و رفع نفرت طبقات ملت
بکوشند و با داعیان مساعدت کنند تا
تفرقه‌ها از میان برداشته شود و مملکت و
ملت از دست رفته احیا گردد.

نکته مهمی که باید در این جا بیان شود
این است که در این زمان، «مدرس» در
مجلس، طراز اول علما و نماینده علمای
نجف و ایران و به قول خودش افغانستان و
هند و عراق است و در این زمینه که آیات
عظام از نجف مرقوم داشته‌اند، سخت فعال
بوده و در ایجاد وحدت، کوشا و
خستگی‌ناپذیر است. شاید این سؤال پیش
آید که چرا حضرات آیات عظام نجف این
تلگراف را مستقیماً به «مدرس» مخایره
نکردند که هم به نایب‌السلطنه برساند و هم
در مجلس به نمایندگان ارائه کند؟

ظاهراً حضرات آیات «خراسانی» و
«مازندرانی»، «ناصرالملک» را مسئول
مستقیم این تشنج دانسته و در نظر داشتند
شخص نامبرده را از پی آمدهای اعمال و
رفتارش آگاه کنند و به او هشدار دهند و

ملی-مذهبی ملت ایران، آیتی از گذشت و
سعه صدر و در واقع، پاسداری از آزادی و
مصالح اجتماعی است. آشفتگی در داخل
مجلس تا به آنجا رسید که بالاخره آیات
عظام «خراسانی» و «مازندرانی»، تلگرافی به
«ناصرالملک» مخایره کردند و نگرانی خود
را از اوضاع داخلی و صف‌بندی مجلسیان
ابراز نمودند. این تلگراف را حضرات آیات
«خراسانی» و «مازندرانی» از نجف اشرف
مستقیماً به «ناصرالملک» که بانی چندگانگی
در مجلس بود، مخایره کردند و
«ناصرالملک» آن را برای اطلاع نمایندگان به
مجلس فرستاده و متذکر شد که پس از
قرائت آن برای وکلا، متن تلگراف به وی
مسترد گردد. در این تلگراف نکات بسیار
مهمی بیان شده است و در آن به
«ناصرالملک» گوشزد کرده‌اند که:

دوام نصرت و تأیید در موجبات قوت
و شوکت دین و دولت مقرون و در
جمع کلمه ملیه و اصلاحات اساسیه،
در رفع پیچیدگی کارهایی که از کثرت
اختلافات و نمایش دادن اضرای
شخصی [می‌باشد] و به صورت نوع
پرستی، حاصل و حال مملکت و ملت
[را] چنین تباہ نموده است.

این جملات بیانگر نگرانی زایدالوصف
دو تن از مراجع بزرگ و قهرمانان سترگ
مبارزه با استبداد و حامی بسی‌رقیب
مشروطیت است که در یکی دو جمله بعد
شکایت دارند که:

عاقبت این تفریق و اختلافات اهوا و
تشتت که سیر قهقراپی به این درجه
[رسیده] محل و مساهی و زحمات

جلسه مجلس شورای

می‌کردند. در تلگراف آیت‌الله «مازندرانی» در مورد مسئله قضا و مسائل مربوط به دادگستری و احکام شرعی و توجه به این که: «بعد از آن که محاکم شرعی و سیاسی عرفیه از همدیگر منفصل شد، استیفاء و تمیز را به همان محاکم سیاسی عرفیه مخصوص دادند که هم مخالفتی با اساس مذهب مقدس نشده باشد و هم موازین سیاسی ایران در انظار دول اجنبیه ناقص نباشد و ...» صحبت شده است.

در این نامه، مطالب بسیار مهمی از لحاظ تشکیل نهاد دادگستری مطرح شده است و ما عیناً متن نامه قرائت شده را از صورت مذاکرات مجلس می‌آوریم و مجدداً خاطرنشان می‌کنیم که ارسال تلگراف علمای نجف به مجلس از طرف «ناصرالملک»، ترفندی سیاسی بیش نبوده و او با این کار خواسته است زیرکانه، تیری را که به سوی او هدف‌گیری شده منحرف کند و به طرف وکلای مجلس برگرداند، غافل از این که تاریخ از هیچ حرکتی در زمینه روشن شدن آنچه بر ملت می‌گذرد چشم نمی‌پوشد و در نمی‌گذرد. متن این نامه که در جلسه ۲۲۶ مورخ ۱۹ ربیع‌الاولی ۱۳۲۹ (دوره دوم) قرائت شد بدین شرح است:

به توسط هیئت معظمه مجتهدان
عظام اعضاء ایدهم الله تعالی
به مجلس محترم شورای ملی شیدالله
تعالی ارکانه و وزارت جلیله عدلیه
دامت تأییداته معروض می‌شود، در
دوره سابقه که فصل ۲۷ قانون اساسی

مجلسیان را در این حرکت چندان مقصر ندانسته و دقیقاً متوجه علت آن که معلول تابع است، هستند. به همین دلیل، تلگراف به نام «ناصرالملک» مستقیماً به او مخابره شد. از طرف دیگر، در هیچ جای تلگراف عنوان نشده بود که متن آن برای نمایندگان خوانده شود، ولی «ناصرالملک» این دیکتاتور سیاستمدار، تلگراف را به مجلس می‌فرستد تا در واقع به وکلا بفهماند که روی سخن با شماست و خود را از آنچه پیش آمده تبرئه کند. مخصوصاً در انتهای متن تلگراف به «ناصرالملک» تأکید و تأیید شده است که آن والا حضرت هم با عزم راسخ و نیت متوکلانه علی‌الله تعالی و متعمداً من ولی عصر ارواحنافدا به وظایف منقایسه قیام کنند و نشئت را از میان بردارند، ولی «ناصرالملک» زرنک و انگلستان دیده، این خطاب به خود را به روی مبارک نیاورده و مطلب را به نمایندگان مجلس حواله کرده است؛ این را می‌گویند «ترفند سیاسی».

مجلس دوره دوم در جلسه ۲۲۶، یعنی دو جلسه بعد از قرائت متن تلگراف علمای نجف (آیات عظام «خراسانی» و «مازندرانی») به «ناصرالملک»، در ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۹، تلگرافی از آیت‌الله «مازندرانی» دریافت می‌کند و این خود دلیلی است بر این که اگر منظور آیات عظام نجف در تلگراف «ناصرالملک» مجلس شورای ملی بود، مستقیماً مانند تلگراف اخیر به هیئت مجتهدان مجلس مخابره



کامل در رفع غرابی‌های عدلیه و شطب ادارات آن که موجب شکایت عمومی شده است درخواست شد حالاً می‌شنویم آن ترتیب سابق و آن فصل شریف به کلی من حیث العمل سلفی شده و خصومات شرعیه را غیراهل تشددی گشته و استیناف و تمیز مسطرداً مقرر شده است. اگر چه این معنی از جهات عدیده قابل تصدیق نبود، لکن از روی کمال اضطراب که می‌آدا خدای نخواستہ تقلید از محاکم خارجه چنین پیش آمد و روز سیاهی را برای اتهام این اساس سعادت مقضی گشته و سرآمد تمام موجبات انزجار و نفرت قلوب نوع علما و ملت شده که ناموس این اساس سعادت تدویجاً از میان برود، از این جهت لازم شد مصادحت فرود انشاءالله تعالی در مجلس محترم با حضور وزارت جلیله عدلیه که وجود مسجرتشان موجب بسی امیدواریهاست، علناً قرائت شود و جواب رافع وحشت و اضطراب را عاجلاً مترصد است. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

عبدالله المازندرانی

در هسمین زمسان، «مدرس» و «مشیرالدوله» و امام جمعه «خویی»، اصول تشکیلات عدلیه را بر اساس موازین و قوانین اسلام تدوین کردند و در کار نهاد قضاوت در ایران طرحی نو درانداختند. افرادی برجسته مانند «سید نصرالله تقوی»، «عبده» و «الطقی» - که در دوران دولت دکتر «مصدق» وزیر دادگستری شد - مجریان این

به طوری که باید دقایق لازمه را سراعیات نمود و فصل خصومات شرعیه را به محاکم شرعیه و تصدی حکام شرع مع الاجتهاد و... موکول و سایر خصومات سیاسی مملکتی را به عهده محاکم عرفیه نظامیه برگزار کرده، چه قدر تمامیت این اصل کاشف از صحت اساسی بوده، بعد هم در مسئله استیناف و تمیز مذاکرات و مراجعاتی از مجلس مقدس می‌شد و چون استیناف و تمیز بعد از صدور حکم شرعی ... از مجتهد نافذ الحکومه، بنا بر این، اصول مذهب مقدس جعفری علی سیده الفضل الصلوة والسلام اصلاً مشروعیت ندارد. نتیجه مذاکرات آن دوره این شد که بعد از آن که محاکم شرعیه و سیاسی عرفیه از همدیگر منفصل شد، استیناف و تمیز را به همان محاکم سیاسی عرفیه مخصوص دادند که هم مخالفتی با اساس مذهب مقدس نشده باشد و هم موازین سیاسی ایران در انتظار دول اجنبیه ناقص نباشد و به همین طور بنا بود انجام شود که داستان انفصال مجلس به میان آمد تا در این دوره، چندی قبل مسجوع شد محکمه تمیز را مقرر داشته‌اند و جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج شیخ محمد حائری مازندرانی دام عیاله به ریاست آن انتخاب شده‌اند، به گمان این که به همان ترتیب سابق است و انتخاب ایشان هم برای اعمال دقایق شرعیه است. از این جهت مسرور شده و تلگراف هم مبنی بر همین معنی مسخروض داشته و ضمناً از وزارت جلیله عدلیه فرید مراقبت و بذل جهد

قوانین گردیدند تا بنا به گفته آیت‌الله «مازندرانی»، محاکم شرعیه و سیاسیه ایران در انظار دول اجنبیه ناقص جلوه نکند.

بسیاری از نمایندگان که جریان حزب بازی و دو دستگی موجود در مجلس یا به بیان دیگر ترفندهای سیاسی «ناصرالملک» نتوانسته بود ماهیت اعتقادات و ایمانشان را به اسلام و وطن و قانون اساسی تغییر دهد و از درون مانند توده برفی در حرارت تابستان ذوب و کاسته شوند، هنوز سخنان «مدرس» در جلسه ۲۰۲ مورخ ۲۴ شهر محرم الحرام ۱۳۲۹، در گوش جانشان طنین انداز بود و گاه از خود می‌پرسیدند، اکنون که سراسر ایران گرفتار آشوب است و در هر گوشه عده‌ای سر به طغیان برداشته‌اند، چه جای آنکه در مجلس به جای رسیدگی به امور مملکت، مسائل مرام و مسلک و اختلاف سلیقه مطرح شود و نمایندگان در مقابل هم صف‌آرایی کنند. نطق «مدرس» در این جلسه به همین موضوع اشاره داشت و با این شعر مشهور «جلال‌الدین مولوی» آغاز می‌شد:

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جان‌های مردان خداست
 عرض می‌کنم که آقایان، اقدام ما در امر مشروطیت و حفظ اسلام، به فرض کل واحد است یا به فرض هاید به نوع است. در این مجلس مقدس که خون‌ها ریخته شد و اموال‌ها از میان رفت تا این کعبه مقصود ما برپا شد، البته باید

اعمال آن فوایی که حفظ این غرض اصلی است کرده شود و آن موقوف بر کلمه جامع اتحاد است، یعنی اتحاد در فرض نه اتحاد در سلیقه. البته جماعتی از عقلا سلیقه‌شان در مطالب مختلف است، اما در فرض یکی است. باید حفظ آن مرتبه را کرد، چند روز است که چنین می‌نماید در مجلس که بعضی اختلافات دیده می‌شود که یقیناً این اختلافات مغرب است و از هر کسی هم اظهار شود انشاءالله معمول بر نادانی است! و جهالت و سهو و نسیان [است] والا شأن و کسلا که به منزله مبلون‌ها از مسلمین هستند اجل از این است که از روی فرض و خدا نخواستند از روی همد اقدامی که موجب ضعف و سستی این اساس باشد بکنند... و البته سیدالقوم شاه‌مهم، رئیس هر قومی باید حافظ و شادم آن قوم باشد. بنده عرض می‌کنم از رئیس و رئیس و تمام آقایانی که بعضی بیاناتی که اسباب ازجار قلوب خود و کلا است و طبقات دیگر که حماة اساسی مشروطیت هستند... باید این اساس را حفظ کنند، ولو این که ناملایم با بعضی طباع باشد...

خرده‌گیری از همدیگر کردن و به جزئیاتی که به درد این ملت خرق شده نمی‌خورد چه فایده دارد به جز تلف کردن وقت مجلس...

«مدرس» با این نطق که ما در سلسله مقالات گذشته هم به کل آن استناد کرده‌ایم، توانست تا اندازه‌ای نمایندگان را متوجه کند



شکست‌ها و پیروزی‌ها دست داده است.

بالاخره مدرس توانست در دوره کوتاهی با استدلال و منطق ویژه خود، نمایندگان را متوجه خطراتی کند که مملکت را به خرابی و فساد می‌کشید، بسیاری از تاریخ‌نویسان که در واقع وقایع نگارند، درباره مجلس دوم مصفاة قضاوت نکرده‌اند، البته حق هم داشته‌اند، چون هیچ‌گونه سند و مدرکی که دلیل بر تلاش نمایندگان این دوره باشد در دسترس آنها نیبرده است. تنها «مدرس» در یکی از نطق‌های خود، مجلس دوم شورای ملی را معرفی و ستایش کرده است که آنها عقیده و ایمانشان در حفظ اسلام، وطن و قانون اساسی راسخ بود و با همه اختلاف سلیقه و حزب‌بازی‌ها، دل از این سه محور بر نمی‌داشتند.

۳- چند سند منتشر نشده

امروز که بسیاری از اسناد آن دوران در اختیار ماست و نگارنده، خود در سال ۱۳۷۲ مجموعه اسناد متراکم و از یاد رفته ضبط راکد مجلس شورای ملی را بررسی کردم و برای برگزاری سمینار «مدرس» با یکی از همکاران در فرصت بسیار اندک به مطالعه آن پرداختم، مشخص شد که از مجلس اول تا ششم، ما واقعاً مجلس مشروطه داشته‌ایم و وجود «مدرس» عامل تعیین‌کننده‌ای در حرکت و تلاش نمایندگان این دوران بوده است. مجموعه کوچکی از این اسناد را مؤسسه پژوهش و مطالعات

که اختلافات داخلی و سلیقه‌ای را کنار بگذارند و وقت مجلس را صرف دفع خطر از کشور و ملت و مجلس نمایند.

این مجلس هر دقیقه‌اش مقابل تمام دنیا قیمت دارد و به واسطه این که در یک دقیقه می‌شود حرفی زد و قانونی وضع کرد و نظم داد و کاری کرد که ملتی از اضطراب و پریشانی نجات یابد.

«مدرس» با این سخن، مجلس را تحت تأثیر سخنان بی‌پیرایه و صادقانه خود قرار داد. حتی «شیخ ابراهیم زنجانی» که از صحنه‌گردانان دارودسته دموکرات‌ها و از مخالفان هتاک «مدرس» بود و برای مقابله با او از به کار بردن بیش‌رمانه‌ترین کلمات، دست «سید یعقوب انوار» و «تدین» و «یحیی دولت‌آبادی» را هم از پشت بسته بود، بعد از بیانات مدرس سر به جیب تفکر فرو برده و لب به سخن نگشود و عجب که برخورد «مدرس» با این دشمن بی‌پروا و دشنامگوی برخوردی مؤدبانه و انسانی بود.

اکنون سلسله یادداشت‌ها و به اصطلاح خاطرات این مرد (شیخ ابراهیم زنجانی) در مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی موجود است که از گذشته اظهار ندامت می‌کند و در دادگاه وجدان خود، خویشتن را محکوم می‌نماید. اینجاست که عظمت سخن «مدرس» روشن می‌شود که می‌گوید: کسی که بخواهد در کار سیاست و مملکت‌داری وارد شود، حداقل باید یک دوره تاریخ ملت و سرزمین خود را بخواند تا بداند سپنات و حسنات گذشتگان چه بوده و از چه راه‌هایی

فرهنگی تحت عنوان «مدرس و مجلس» منتشر کرد. در این بحث نیز ما مجموعه‌ئی سند اصلی را با فرعیات آن از نظر شما می‌گذرانیم، البته این اسناد فعلاً به صورت خام و بدون تحلیل و تفسیر است، تا زمانی که این مجموعه برای انتشار آماده شود و توضیح و تحلیل لازم نیز همراه آن گردد، به هر حال اسنادی است که برای اولین بار انتشار می‌یابد و این خود گامی است که با پای لنگ در این راه طولانی برداشته‌ایم.

۳-۱- سؤال «میرزا احمد قزوینی» از وزیر امور خارجه در مورد قتل «صنیع الدوله»

متن این سؤال که در ۳ جمادی الاولی

۱۳۲۹ مطرح شده است چنین می‌باشد:

بسنده سؤال می‌کنم از وزارت امور خارجه در باب قاتلان و تحقیق محرکان قتل مرحوم صنیع الدوله که به کجا منتهی شده و محرکان [چه کسانی] بوده‌اند؟ و آیا می‌توانند دوسه تحقیقات را به مجلس آورده تمام نمایندگان ملتفت بشوند که این خیانت بزرگ از چه مبادی ناشی شده است.
احمد قزوینی

۳-۲- سؤال «میرزا احمد قزوینی» در مورد قتل «صنیع الدوله»

متن این سؤال که در ۴ جمادی الاولی ۱۳۲۹ مطرح شده و توسط رئیس مجلس شورای ملی به وزارت امور خارجه ارسال

شده است چنین می‌باشد:

وزارت بجليله امور خارجه

آقا «میرزا احمد قزوینی» سؤالی راجع به قتل مرحوم «صنیع الدوله» از آن وزارتخانه دارند که عیناً درج می‌شود (بسنده سؤال می‌کنم از وزارت امور خارجه در باب قاتلان و تحقیق محرکان قتل مرحوم «صنیع الدوله» به کجا عمل شده؟ محرکان کسی‌ها [چه کسانی] بوده‌اند؟ و آیا می‌توانند دوسه تحقیقات را به مجلس آورده، تمام نمایندگان ملتفت شوند که این جنایت بزرگ از چه مبادی ناشی شده است؟) لزوماً زحمت می‌دهد که وقت تشریف‌فرمایی به مجلس رامین فرمایید.

حسن پرتیا

۳-۳- پاسخ وزارت امور خارجه به مجلس شورای ملی
متن پاسخ اداره انگلیس وزارت امور خارجه در ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۲۹ به مجلس شورای ملی چنین است:

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

مرقومه محترمة نمرة ۱۴۹۶۱ دایر به سؤالی که آقای «بهجت» نموده‌اند شرف وصول بخشید. در این خصوص اطلاعی به وزارت خارجه نرسیده. از کارگزار عربستان [خوزستان] تلگرافاً استعلام شد، همین‌که جواب رسید اگر محقق باشد اقدامی که لازم است از طرف وزارت خارجه به عمل خواهد آمد و نتیجه را اطلاع خواهد داد.

عجالة [عجالتاً] نمی‌شود به جواب
نرسیده، برای جواب سؤال حاضر شد.
مهر وزارت جلیله امور خارجه

۳-۲- سؤال «شیخ محمد علی بهجت» در
مورد وضعیت کشتیرانی در رودخانه کارون
متن این سؤال که در ۱۰ جمادی الاولی

۱۳۲۹ مطرح شده است چنین می‌باشد:
از وزارت فواید عامه و وزارت خارجه
سؤال می‌کنم از قرار اطلاعات قطعی،
سیر سفاین در کارون علیاً قدغن و
کشتیرانی در آن منحصر به یک کمپانی
داخلی موسوم به کمپانی ناصر است.
حالا از ناصری اطلاع می‌دهند که
کمپانی لنج چند دویه وارد کارون علیاً
نموده مسئول ذهاب و ایاب و حمل و
نقل اجناس است. در این خصوص
دولت چه اقدامی نموده است.

شیخ محمد علی بهجت
نماینده خوزستان

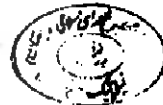
۳-۵- پاسخ وزارت معارف و اوقاف و
فواید عامه

متن پاسخ وزارت معارف و اوقاف و فواید
عامه در ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۹ به مجلس
شورای ملی چنین است:

مجلس شورای ملی شهیدالله ارکانه
در طی مرقومه نمره (۱۴۹۶۱) مرقوم
شده بسود آقای «بهجت» در باب
کشتیرانی در کارون علیاً متوالی سؤالی
از وزارت فواید عامه دارند، روز
پنجشنبه در مجلس حاضر و جواب
ایشان داده می‌شود.

از طرف وزیر معارف و اوقاف و فواید عامه

وزارت فواید عامه
بسم الله الرحمن الرحیم
مجلس شورای ملی
در این خصوص وزارت فواید عامه
بسم الله الرحمن الرحیم



مجلس شورای ملی
شهید الرکانه

۳-۶- سؤال «سلیمان محسن» (اسکندری)
از وزیر امور خارجه در مورد لشکرکشی
انگلیس در خلیج فارس به بهانه منع قاچاق
متن این سؤال که در ۱۰ جمادی الاولی
۱۳۲۹ مطرح شده است چنین می باشد:

خدمت آقای رئیس اظهار می دارد
بنده در موضوع ذیل از آقای وزیر امور
خارجه سؤال دارم
در پارلمان انگلیس، ستر «ویلسون»
درخصوص سوق عسکر برای منع
قاچاق اسلحه و حفظ سیم های تلگرافی
سؤال نموده و جواب داده اند مطابق
قرارداد دولت ایران است و نیز روزنامه
طیسی [تاہمز] این مطلب را با مقاله
اساسی خود تأیید و تصدیق کرده است.
سلیمان محسن

خدمت آقای رئیس اظهار می دارد
بنده در ۲۵ ربیع الثانی سؤالی راجع به
ورود قشون از طرف ... به عنوان منع
قاچاق اسلحه و حفظ سیم های
تلگرافی و مقاله روزنامه طیسی
[تاہمز] در این موضوع داده ام.
سلیمان محسن

۳-۷- درخواست مجلس از وزارت امور
خارجه برای پاسخ دادن به نامه
«سلیمان محسن»
متن نامه مجلس شورای ملی در ۱۱
جمادی الاولی ۱۳۲۹ به وزارت امور خارجه
چنین است:

وزارت جلیله امور خارجه
آقای «سلیمان میرزا» از آن وزارت

جلیله سؤالی دارند که صیناً نگاشته
می شود (بنده در توضیح ذیل از آقای
وزیر امور خارجه سؤال دارم در
پارلمان انگلیس ستر «ویلسون» سوق
عسکر برای منع قاچاق و اسلحه و
حفظ سیم های تلگراف سؤال نموده و
جواب داده اند مطابق قرارداد دولت
ایران است و نیز روزنامه کامبس
[تاہمز] این مطلب را با مقاله اساسی
خود تأیید و تصدیق کرده است)
لزوماً زحمت روز تشریف فرمایی به
مجلس را تعیین و ایراد جواب فرمایید.

۳-۸- سؤال «مرتضی قلیخان نائینی» از
وزارت امور خارجه در مورد فعالیت غیر
قانونی کمپانی های نفت و لئج در خلیج فارس
متن این سؤال که در ۸ ذیحجه ۱۳۲۸ مطرح
شده است چنین می باشد:

وزارت جلیله امور خارجه
دو فقره مطلب ذیل را یکی از
نمایندگان از آن وزارت جلیله سؤال
خواهند نمود:
اولاً کمپانی نفت (نفت) در جزیره بریم
واقسمه در رأس شسبه مخروط
خلیج فارس که برای کارخانه تصفیه
نفت معین شده است راه آهن احداث و
کاری های بخاری به کار انداخته، در
صورتی که اهداً از دولت تحصیل اجازه
نموده است.
ثالثاً کمپانی لئج بدون اجازه از دولت
خیال دارد از شکاره که دو فرسخ است
تا بندر ناصری ایجاد راه آهن نماید. آیا
وزارت امور خارجه در این فقرات چه



۳-۱۰- پاسخ وزارت امور خارجه به سؤال یکی از نمایندگان در مورد کمپانی نفت جنوب

متن پاسخ وزارت امور خارجه در ذیحجه ۱۳۲۸ چنین است:

مجلس شورای ملی

مرفومه محترمه مورخ ذیقعدة ۱۳۲۸
نمرة ۱۰۱۹۲/۸۲۱ راجع به دو فقره سؤالی که یکی از نمایندگان در خصوص کمپانی نفت جنوب خواهند کرد واصل گردید. اینک مستحماً زحمت‌افزا می‌شود که مطالب مزبوره راجع به وزارت فواید عامه است و باید از آن وزارتخانه استیضاح فرمایند.

از طرف وزیر خارجه
مهر وزارت خارجه

۳-۱۱- سؤال یکی از نمایندگان در مورد افتادن پرچم ایران در جزیره سری [سیری] متن سؤال «مرتضی علی نائینی» از وزارت امور خارجه چنین است:

وزارت جلیله امور خارجه

یکی از نمایندگان محترم از آن وزارت جلیله سؤال خواهند نمود که بیرو دولت ایران در جزیره سری [سیری] که مقابل بندر لنگه است افتاده علت چه بوده و چرا ثانیاً نصب نمی‌شود اختصاراً اظهار شد که در مجلس ایراد جواب فرماید.

مرتضی علی نائینی

۳-۱۲- سؤال «مرتضی علی نائینی» در مورد وضعیت حقوقی جزیره ابوموسی متن این سؤال که در تاریخ ۲۱ ذیحجه

اقدامی فرموده‌اند، اختصاراً اظهار شد که در مجلس ایراد جواب فرمایند.
مرتضی قلبخان نائینی

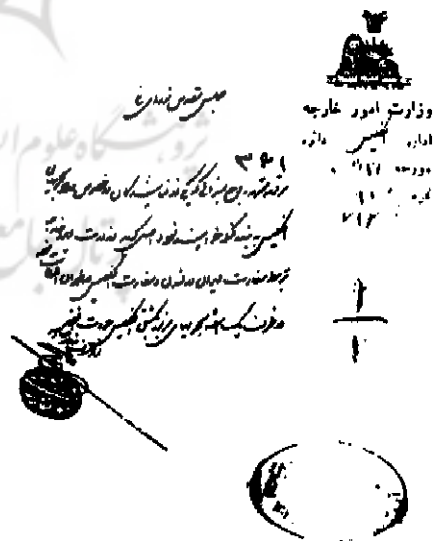
۳-۹- پاسخ وزیر امور خارجه به سؤال افتخار الواعظین در مورد خروج سربازان انگلیسی از بندر لنگه

متن پاسخ وزیر امور خارجه به سؤال افتخار الواعظین در ۲۱ ذیقعدة ۱۳۶۱ چنین است:

مجلس مقدس شورای ملی

مرفومه محترمه راجع به سؤالی که یکی از نمایندگان در خصوص ورود بحری‌های انگلیس به بندر لنگه خواهند نمود واصل گردید. وزارت امور خارجه به توسط سفارت ایران در لندن و سفارت انگلیس در تهران اقدامات نموده در طرف یک هفته بحری‌های مزبور به کشتی انگلیسی عودت نمودند.

از طرف وزیر خارجه
مهر وزارت جلیله امور خارجه



۱۳۳۸ مطرح شده است چنین می باشد:

وزارت جلیله امور خارجه

یکی از نمایندگان محترم از آن وزارت جلیله سؤال خواهد نمود که جزیره ابوموسی که از جزایر خلیج فارس و در مقابل بندر لنگه است در دست کسی است و چه حالت دارد؟
 اختطاً اظهار شد که در مجلس ایراد جواب فرماید.

مرتضی علی نائینی

شد.^۲

میرزا احمد قزوینی

میرزا احمد قزوینی از طایفه «عمار لوی» قزوین، دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی، روحانی و کارمند دولت و نماینده دوره دوم از تبریز بود.^۳ اعتبارنامه وی در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ تصویب شد و مدت ۲۵ ماه و دو روز، سمت نمایندگی مجلس را داشت.^۴

۴- ملاحظات و توضیحات

صنیع الدوله

مرتضی قلی خان صنیع الدوله، فرزند علیقلی خان مخبرالدوله (کارمند دولت)، متولد حدود ۱۲۷۲ ه. ش، دارای تحصیلات عالی در رشته مهندسی از آلمان، عمده مالک و کارمند دولت و نماینده دوره های اول و دوم مجلس شورای ملی از تهران.^۱

اعتبارنامه وی در ۶ ذیقعه ۱۳۲۷ (۲۷ عقرب ۱۲۸۸) تصویب شد و مدت سه ماه و پنج روز نماینده تهران در دوره دوم بود. در ۱۶ ذیقعه ۱۳۲۷ (۷ قوس ۱۲۸۸) در کسبینه سپهدار اعظم وزیر معارف و فسوا بدعاه و در ۲۱ رجب ۱۳۲۸ از طرف مجلس به جای «اسد الله میرزا» انتخاب شد و مجدداً در ۲۸ شوال ۱۳۲۸ در کابینه مستوفی الممالک وزیر مالیه شد و در ۵ صفر ۱۳۲۹ (۱۴ دلو ۱۲۸۹) به دست دو نفر تبعه روس و قفقاز کشته

جزیره سیری^۵

جزیره سیری یا سیری، جزء شهرستان ابوموسی است و در مسرف جزیره ابوموسی، جنوب جزیره فارور، شرق جزیره لاوان و جنوب غربی بندرعباس، جنوب بندرلنگه و شمال شرقی شیخ نشین دویی قرار دارد. طول آن حدود ۷ کیلومتر و عرض آن حدود ۴ کیلومتر است. زبان اهالی آن، محلی بومی و نزدیک به لهجه (زبان) محلی بندر عباس است و ساکنان آن دارای مذهب شیعه اند.

□ □ □

۱. زهرا شجیم، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، (تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴)، ص ۳۴۱.
 ۲. مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه، قسمت اول، ص ۱.
 ۳. زهرا شجیم، پیشین، ص ۴۵۳.
 ۴. مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه، قسمت اول، ص ۳.
 ۵. حسین نوربخش، خلیج فارس و جزایر ایرانی، (کیلان، ۱۳۶۲)، ص ۳۲۴ و ۳۲۲.